

نظری بر «دیوان حافظ» چاپ دکتر قاسم غنی

و قزوینی و چاپ دکتر خالری

نذیر احمد

دانشگاه اسلامی ملیکره - هند

حافظ شیرازی بشمار مقبول‌ترین شاعران فارسی می‌آید و بهمین علت نسخه‌های خطی دیوان او که در کتابخانه‌های دنیا نگاهداری می‌شود، از نسخه‌های آثار گویندگان دیگر فارسی بیشتر می‌باشد، اما اشعارش در زندگانی او جمع‌آوری نشده^۱ بنابراین نسخه‌های معتبر از دیوان کمتر یافته می‌شود، نسخه‌های دیوان خواه قدیم باشد یا متأخر، از لحاظ عده غزلیات، ترتیب غزلها، ترتیب اشعار هر غزل و عده اشعارش، حتی از حیث قرأت متن اشعار با هم خیلی اختلافات دارند، و چون معلومست که آثاری که بیشتر متداول باشد و نسخه‌های آن بیشتر وجود دارد، از لحاظ اختلافات نسخ از یکدیگر خیلی متفاوت‌اند، بهمین علت غزلها و منظومه‌های حافظ دارای همین‌گونه اختلافات می‌باشد و بهمین جهت است که محققانی که در تصحیح و ترتیب دیوان مشغول‌اند با چندین اشکالات دچار هستند.

تاکنون معتبرترین دیوان این شاعر همین است که بتوسط دکتر قاسم غنی و آقای محمد قزوینی تصحیح و در ۱۳۲۰ شمسی در تهران دفعه اول چاپ شده و تاکنون چندین بار از چاپ درآمده، و این نسخه مبنی است بر نسخه خلخالی مورخ ۸۲۷ هجری. بعقیده استاد قزوینی هر چه درین نسخه موجود است فقط همان معتبر است و هر چه بعلاوه آنست الحاقی و مردود است، چنانچه نسخه

۱. چنانکه از مقدمه جامع دیوان ظاهر می‌شود.

قزوینی شامل همان ۴۹۵ غزل است که محتویات نسخهٔ خلخالی بود، و هر چه بعلاوه آنهاست، آقای قزوینی آنها را کالعدم انگاشته از نسخه خود خارج نموده. چنانچه خود^۱ می‌گوید:

«چون نسخهٔ (خلخالی) که در سنه ۸۲۷ کتابت شده هجالتاً تا نسخهٔ قدیمتری از آن بدست نیامده آنرا باید قدیمترین نسخ موجودهٔ تاریخدار دیوان حافظ در دنیا محسوب داشت، لهذا من خود را ملزم و مقید کردم که در خصوص کمیت اشعار یعنی از لحاظ عدّهٔ غزلیات و عدّهٔ ابیات هر غزل از ابتدا تا انتهای کتاب فقط و منحصرأ همان نسخه را اساس کار خود قرار دهم و هر چه در آن نسخه موجود است از غزلیات و مقطعات و مثنویات و رباعیات تماماً بدون هیچ زیاده و نقصان آنها را چاپ کنم و هر چه در آن نسخه موجود نیست خواه غزلیات مستقل و خواه ابیات متفرقهٔ بعضی غزلها یا غیر ذالک آنها را، مطلقاً کالعدم انگاشته بکلی از آن صرف نظر نمایم زیرا که چون این نسخه، نسخهٔ کامل تمامی است از دیوان خواجه و انتخابی از آن نیست پس هر چه درین نسخه نیست بااحتمال بسیار قوی بلکه تقریباً بنحو قطع و یقین الحاقی و اشعار دیگران است که بعدها در دیوان خواجه داخل کرده‌اند».

واضحاً نتیجهٔ دوم در بیان آقای قزوینی یعنی هر چه خارج از نسخهٔ خلخالی است الحاقی است، خیلی خطرناک است زیرا اگر جزوی از آن کلام الحاقی در نسخهٔ قدیمتر از نسخهٔ خلخالی، شامل باشد، عقیدهٔ آقای قزوینی باطل گردد. در کتابخانهٔ آصفیه حیدرآباد یک نسخهٔ دیوان حافظ مکتوبه ۸۱۸ هـ که خلاصهٔ^۲ دیوان است، نگهداری می‌شود این نسخه شامل ۳۵۷ غزل، ۱۲ قطعه و ۲۰ رباعی است، از مقایسهٔ مندرجات این نسخه با مندرجات نسخهٔ قزوینی معلوم شد که نسخهٔ آصفیه شامل ۸ غزل، ۵ قطعه و سه رباعی می‌باشد که خارج از نسخهٔ قزوینی و نسخهٔ خلخالی است و بعقیدهٔ آقای قزوینی الحاقی است و

۱. مقدمهٔ دیوان حافظ طبع قزوینی ص (لط).

۲. رک: به رسالهٔ بنده: تاریخی و ادبی مطالعی، ص ۶۳ - ۷۳، نیز مجلهٔ علوم اسلامی، دانشگاه اسلامی علیگره.

کلام حافظ نیست. بنده مطلعهای^۱ منظومات اضافی را ذیلاً درج می‌کنم:
غزلها: ۸

ز دل برآدم و کار بر نمی‌آید
مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید
مراقی دگر باره از دست برد
ساقیا مایه شراب بیمار
صبا بمقدم گل راح و روح می‌بخشد
جانا ترا که گفت که احوال ما مپرس
ای ز شرم عارضت گل کرده خوی
ساقی^۲ اگر ت هوای ماهی

قطعات: ۵

که بحکمت قطره را گردانده لؤلؤ در صدف
ای جهان و هرچه هست از آفرینش در جهان
دل منه^۳ ای مرد بخرد بر سخای عمرو و زید
حسن این نظم از بیان مستغنی است
درینا خلقت و حسن و جوانی

رباعیها: ۳

نام بت من که مه ز رویش خجل است
چو جامه ز تن می‌کشد آن مشکین خال
شیرین دهنان عهد به پایان نبرند

با کشف شدن نسخه گورکهور قرآینی بدست آمده که نظر آقای قزوینی را
کاملاً باطل می‌کند، این نسخه بوسیله راقم این سطور کشف شده و در مجله

۱. در مقاله ماجرای چگونگی کشف یک نسخه خطی قدیمی، ایران‌نامه، سال ۵، شماره ۳، بهار ۱۳۶۶،
این اشعار چاپ شده، اما در آنجا یک کمی فرق واقع شده.
۲. در بعضی نسخه‌ها این جزوی از ترکیب بند است.
۳. نسخه گورکهور: میند

ایران‌شناسی در سال ۱۳۴۹ ش. معرفی شده و بعداً در سالهای ۱۳۵۰، ۱۳۵۲، ۱۳۵۴ با همکاری آقای جلالی نائینی چاپ شده، نسخه مزبور که شامل ۴۵۵ غزل، ۱۷ قطعه، ۲۷ رباعی، ۵ فرد است، دارای ۶ غزل، ۵ قطعه، ۴ رباعی، ۲ فرد اضافی باشد که از نسخه خلخالی خارج است و بنابر عقیده آقای قزوینی الحاقی و از نسخه قزوینی نیز خارج است. مطلع‌های^۱ منظومات اضافی بقرار زیر است:

غزلها: ۶

صبح دولت می‌دمد کو جام همچون آفتاب
مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید
جانا ترا که گفت که احوال ما مپرس
ای شام ز کسوی ما گذر کن
ای از فروغ رویت روشن چراغ دیده
ای ز شرم عارضت گل کرده خوی

مقطعات: ۵

دل میند ای مرد بخرد در سخای عمرو وزید
رحیم منکر خمار بود روزی چند
شاهها مسافری ز بهشتم رسیده است
کلک کوتاه نظرم بین که بر طفرل شاه
تا کار بکام دل مجروح شود

رباعیات: ۴

آواز پر مرغ طرب می‌شنوم
مقبول دل خواص و مشهور عوام
راه طلب ز خار غمها دارد
باز^۲ آی که چشمت بجمالت نگران است

۱. این مطلعها در «دیوان‌نامه»، سال ۵، شماره ۳ درجست اما، در آنجا اشتباه واقع شده.
۲. این در وزن رباعی نیست، پڑمان این را ذیل قطعات منسوب بحافظ درج نموده.

فرد: ۲

تمنای من از صمر و جوانی
شکرا شکر بشکرانه بیفشان حافظ

منظومه‌هایی که در هر دو نسخه حیدرآباد (۸۱۸ هـ) و نسخه گورکھپور (۸۲۴ هـ) موجود است و خارج از نسخه خلخالی (۸۲۷ هـ) و قزوینی است و بنظر آقای قزوینی الحاقی است، بقرار زیر است:

غزلها: ۱۱

صبح دولت می‌دمد کو جام همچون آفتاب
ز دل بر آمدم و کار بر نمی‌آید.
مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید
مراقی دگر باره از دست برد
ساقیا مایه شراب بیمار
صبا بمقدم گل راح روح می‌بخشد
جانا ترا که گفت که احوال ما مپرس
ای شام ز کوی ما گذر کن
ای از فروغ رویت روشن چراغ دیده
ای ز شرم عارضت گل کرده خوی
ساقی اگرت هوای ماهی

قطعه‌ها: ۹

که بحکمت قطره را گردانده لؤلؤ در صدف
ای جهان و هر چه هست از آفرینش در جهان
دل منه ای مرد بخرد بر سخای عمرو و زید
حسن این نظم از بیان مستغنی است
دریغاً خلعت و حسن و جوانی

۱. این بیت صورت دیگری است از بینی که در چاپ قدسی ص ۱۵۰ آمده:
شگر شکر بشکرانه بیفشان حافظ که نگار خوش شیرین حرکاتم دادند

رحیم منکر خمار بود روزی چند
شاهای مسافری ز بهشتم رسیده است
کلک کوتاه نظرم بین که بر طغرل شاه
تا کار بکام دل مجروح شود

رباعیها: ۷

نام بت من که مه ز رویش خجل است
چون جامه ز تن برکشد آن مشکین خال
شیرین دهنان عهد به پایان نبرند
آواز پر مرغ طرب می شنوم
مقبول دل خواص و مشهور عوام
راه طلب ز خار غمها دارد
باز آئی که چشمت بجمالت نگرانست

فرد: ۲

تمنای من از صبر و جوانی
شکر شکر بشکرانه بیفشان حافظ

خلاصه کلام اینکه اگر مندرجات نسخه قزوینی با نسخه‌های قدیمتر از نسخه خلخالی مقایسه بشود عدد منظومه‌هایی که آقای قزوینی آنها را الحاقی شمرده و از نسخه خود خارج نموده، خیلی زیاد می‌شود.

آقای دکتر خانلری مدتی است که در تصحیح و ترتیب دیوان حافظ مشغول است و اخیراً یک نسخه انتقادی در دو جلد در سال ۱۳۵۹ شمسی یعنی پس از ۹ سال انتشار نسخه گورکهبور و ۳۹ سال چاپ نسخه قزوینی، انتشار نموده که بدون شک در میان همه چاپها بهترین و معتبرترین است.

مبنای متن انتقادی او چهارده نسخه خطی بود که بقرار زیر است:

(ا) بیاض مکتوبه ۵۸۱۱، کوپرلو احمد، ترکیه شامل ۳۶ غزل

(ب) مجموعه مکتوبه ۵۸۱۳، ایا صوفیه، ترکیه شامل ۴۵۵ غزل

- (ج) مجموعه، ۸۱۳-۸۱۴، موزه برطانیه، لندن، شامل ۱۵۲ غزل
 (د) مجموعه مکتوبه ۸۱۶ هـ، ایاصوفیه ترکیه شامل ۱۵۳ غزل
 (ه) نسخه مکتوبه ۸۱۸ هـ، آصفیه حیدرآباد، شامل ۳۵۷ غزل
 (و) مجموعه مکتوبه ۸۰۷ هـ، آکادمی تاجیکستان، شامل ۴۳ غزل
 (ز) مجموعه، نهم هجری، اوغلو، ترکیه، شامل ۳۵۷ غزل
 (ح) مجموعه مکتوبه ۸۲۱ هـ، توپ قابو سرای، ترکیه، شامل ۴۴۲ غزل
 (ط) نسخه مکتوبه ۸۲۲ هـ، توپ قابو سرای، ترکیه، شامل ۴۴۲ غزل
 (ی) نسخه گورکھپور، مکتوبه ۸۲۴ مملوکه خانواده سبزیپوش شامل ۴۵۵ غزل
 (ک) نسخه نور عثمانیه مکتوبه ۸۲۵ ترکیه شامل ۴۹۶ غزل
 (ل) سفینه مکتوبه ۸۳۶ مملوکه دکتر مهدوی، تهران ۴۹۵ غزل
 (م) سفینه مکتوبه ۸۳۶ مملوکه دکتر مهدوی، تهران
 (ن) سفینه ۸۱۷-۸۳۷ مملوکه سلطان القرائی، تهران ۴۷ غزل
- از آن جمله چهارده نسخه خطی، دو نسخه (ب) و (ی) در تصحیح دیوان حافظ چاپ ۱۳۵۲، ۱۳۵۴ بتوسط راقم این سطور و جلالی نائینی بکار برده شده، نسخه (ب) قبلاً در سال ۱۳۵۰ چاپ شده بود، نسخه هـ بتوسط بنده در سال ۱۹۶۰ معرفی شده، نسخه (و) در روسیه معرفی و دوبار از چاپ درآمده، غزلهای شامل نسخه (ج) را آقای دکتر خانلری قبلاً بیرون کشیده و چاپ نموده بود، نسخه (ل) همان نسخه خلخالی است که مبنای چاپ قزوینی بوده است، نمره‌های ا، د، م، ن شامل جُنکهاست و عده غزلهای آنها کم است، نسخه (ز) بدون تاریخست، نمره‌های ح، ط، ک دفعه اول در تصحیح و ترتیب نسخه حاضر بکار برده شده است.

نسخه دیوان مصحح دکتر خانلری، شامل منظومه‌های زیر باشد:

۴۸۶	۱- غزلها
۳۸	۲- غزلها (ملحقات)
۴	۳- قصائد

۱	۴- قصیده عربی
۱	۵- ترکیب بند (یک بند)
۳	۶- مثنویها
۷	۷- ساقی نامه و مغنی نامه
۵۴	۸- مقطعات
۵	۹- فردیات
۴۳	۱۰- رباعیات

آقای دکتر خانلری غزلهای دیوان را در دو بخش چاپ کرده، در بخش اول غزلهایی (۴۸۶) است که بنظر آن مرحوم اصیل است و در سه چهار کتاب مأخذ اساسی شاملست، بخش دوم شامل ۳۸ غزل است که بنظر دکتر خانلری انتساب آنها بحافظ مشکوک است و بهمین علت اینها را ذیل عنوان ملحقات چاپ کرده، این غزلها در یک یا دو نسخه و بعضی در سه نسخه یافت می شود، اما انتساب اینها بحافظ مشکوک بنظر می آید، یک دو غزل در دیوانهای شاعران دیگر شامل است و بنابراین همین علت انتساب ایشان بحافظ شک را برطرف نمی سازد، قول دکتر مزبور بقرار زیر است:

«غزلهایی که زیر عنوان ملحقات می آید آنهاست که تنها در یک، یا گاهی در دو سه نسخه از مجموع مأخذ ما وجود دارد، بعضی این غزلها در دیوان شاعران دیگر ثبت شده و غالباً می توان به صحت انتساب آنها به شاعری جز خواجه حافظ اطمینان داشت مانند قسمتی از یک قصیده مسعود سعد سلمان و دو غزل از سلمان ساوجی و جز اینها، بعضی دیگر که گوینده آنها شناخته نیست یکسره دور از شیوه خواجه و سست و مبتذل است، با این حال چون در مأخذ ما وجود داشته نخواستم یکباره آنها را طرد کنیم، از آنچه در متن آورده ایم نیز غزل نمره ۳۶ به احتمال قوی از سلمان ساوجی است اما در چندین نسخه کهن ثبت است و ما ناچار از آوردن آن در متن بوده ایم. اینک غزلهایی را که صحت انتساب

آنها بخواجه شیراز مورد تردید است در ذیل می آوریم.^۱
 نظر دکتر خانلری درباره صحت انتساب غزل به حافظ بر ضد نظر آقای قزوینی است، بعقیده موخرالذکر مندرجات نسخه قدیمی مثلاً مکتوبه ۸۲۷، همه معتبر است و کلام اصیل مصنف می باشد، اما نزد آقای خانلری غزلی که شامل دو یا سه نسخه باشد برای اثبات صحت انتساب کافی نیست، حتی یازده غزل که شامل دیوان قزوینی است، در نسخه خانلری در ذیل ملحقات یعنی غزلهای مشکوک درج شده، تفصیلات آنها ذیلاً آورده می شود:

شماره ۴: میرمن خوش می روی اندر سرو پا میرمت

این غزل در نسخه خلخالی (مکتوبه ۸۲۷) و نسخه آصفیه (مکتوبه ۸۱۸ هـ) شاملست. اما در نظر دکتر خانلری انتساب آن مورد تردید است.

شماره ۹: درد ما را نیست درمان الغیث

این غزل در نسخه خلخالی و نسخه نور عثمانیه (مکتوبه ۸۲۵) شاملست؛ معلوم نیست دکتر خانلری بر بنای کدام علت این را مشکوک قرار داده.

شماره ۱۰: توئی که بر سر خوبان کشوری چون تاج

این غزل فقط در نسخه خلخالی ثبت است.

شماره ۱۱: اگر به مذهب تو خون عاشقست مباح

این غزل فقط در نسخه خلخالی درجست.

شماره ۱۶: بعد ازین دست من و دامن آن سرو بلند

این غزل فقط در نسخه خلخالی ثبت است.

شماره ۱۸: هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود

این غزل نیز شامل نسخه خلخالی است؛ اما در دیوان ناصر بخاری نیز دیده می شود، بنابراین نزد دکتر خانلری صحت انتساب آن به خواجه مورد تردید است. اما درین ضمن بقرار واقعی تحقیق بعمل نیامده که این بیت در دیوان

خواجه الحاقی است یا در دیوان ناصر بخاری.

شماره ۲۰: جهان بر ابروی عید از هلال و سمه کشید

این غزل فقط در دیوان نسخه خلخالی ثبت است.

شماره ۲۴: در آکه در دل خسته توان در آید باز

فقط در نسخه خلخالی است.

شماره ۲۸: سحر به بوی گلستان دمی شدم در باغ

فقط در نسخه خلخالی ثبت است.

شماره ۳۰: ای رخت چون خلد و لعلت سلسبیل

فقط نسخه خلخالی این بیت را دارد.

شماره ۳۲: بهار و گل طرب انگیز شد و توبه شکن

فقط در نسخه خلخالی ثبت است.

بعقیده بنده نظر دکتر خانلری یعنی تردید در صحت انتساب ۳۸ غزل که

ذیل ملحقات در نسخه دکتر مزبور ثبت است، کاملاً درست بنظر نمی آید، بقرائن

زیر:

۱- دکتر خانلری فقط همان نسخه‌ها را نسخ اساس کار قرار داده که تا

۸۳۶-۸۳۷ هـ استنساخ یافته بود، اما خود را مقید به نسخه‌های تا این تاریخ نمودن

پایه اساس ندارد بسیار نسخه‌ها که تا اواسط قرن نهم رونویس شده در کتابهای

جهان موجود است و از آنها صرف نظر نمی توان کرد، آقای قزوینی شش نسخه

زیر^۱ را که تا اواسط قرن نهم رونویس شده معرفی نموده است، و معلوم نیست که

آقای دکتر خانلری چرا اینها را ذکر ننموده و از اینها استفاده نکرده:

۸۴۳ نسخه بادلیان، مکتوبه

۸۵۳ نسخه چیستر بیٹی، مکتوبه

۸۵۴ نسخه مجلس تهران، مکتوبه

۸۵۵ نسخه موزه برطانیه، مکتوبه

۸۵۷ نسخه کتابخانه نیشنال، پاریس مکتوبه

نسخه مجلس، تهران مکتوبه ۸۵۸

اگر این نسخه‌هایی که تا اواسط قرن نهم رونویس شده، در نظر گرفته می‌شد، تردید انتساب آنها که فقط در دو یا سه نسخه وجود دارد، برطرف می‌شد زیرا که عده نسخه‌ها که شامل این غزلها باشد از دو یا سه بیشتر می‌شد، ناگفته نگذاریم که بسیار وقت است که غزلی که فقط در یک نسخه ثبت است، همان غزل اصیل باشد. آقای دکتر خانلری این را در نظر نگرفته.

۲- چون معلوم است که دیوان خواجه در زندگانش تدوین نیافته، غزلهایی که در نسخه‌های کهن مثلاً تا اواسط قرن نهم، ثبت باشد حق دارند که در ردیف منظومه‌های اصیل آورده شوند تا وقتی که قرائن دیگر صحت انتساب آنها را باطل نکند.

۳- بعضی منظومه‌ها بنابر نظرهای محققان دیگر الحاقی قرار داده شدند، مثلاً آقای دکتر خانلری بعضی غزلها را بنابر گفته آقای حسین پژمان در ذیل ملحقات آورده حال آنکه نظر آقای مزبور در بعضی مورد خالی از اشتباه نیست. دانشمند مذکور قطعه ذیل را الحاقی دانسته:

بر تو خوانم ز دفتر اخلاق آیتی در وفا و در بخشش

و حسین انجوی شیرازی ازین فرصت استفاده نموده این قطعه را از نسخه دیوان چاپ خود خارج نموده. و حال آنکه این قطعه در هفت نسخه قدیمی ثبت است یعنی در نسخه مکتوبه ۸۱۳ هـ، مکتوبه ۸۱۸ هـ، نسخه قرن نهم، نسخه مکتوبه ۸۲۲ هـ، نسخه مکتوبه ۸۲۴ هـ، نسخه مکتوبه ۸۲۵ هـ، نسخه مکتوبه ۸۲۸ هـ، بعلاوه آن همان قطعه در بیاض تاج‌الدین^۱ احمد وزیر که در ۷۸۲ هـ در حیات حافظ شیرازی، جمع آوری شده، ثبت است، بنابراین از اوضح و واضحاتست که این قطعه از حافظ است، و نظر حسین پژمان و انجوی شیرازی کاملاً از اعتبار ساقطست، بهمین علت نباید نظر پژمان را در هر مورد بدون تحقیق قبول کرد.

۴- شک نیست که بعضی غزلها در دیوان شاعران دیگر موجود است، این

۱. چاپ اصفهان ۱۳۵۳ شمسی، ص ۵۸۱ بنده این بیاض را معرفی نموده‌ام، رک: مقاله بنده شامل کتاب: نذر حمید (ص ۱۰۱-۱۳۸)، چاپ دهلی ۱۹۸۱.

صورت صحت انتساب آنها را بخواجه مشکوک می‌سازد، اما نباید فراموش کرد که فقط وجود آنها در دیوان یک شاعر دیگر بدون قرینه‌های دیگر انتساب آن بآن شاعر قطعی نیست و بدون تحقیق آنرا قبول نباید کرد در صورتیکه آن منظومه‌ها در نسخه‌های قدیمی خواجه ثبت باشد.

۵- بعضی منظومه‌ها بر بنای سبک و روش الحاقی قرار داده شد، این طرز تحقیق متن خالی از خطر نیست، فی الحقیقت این صورت قرینه‌ای بدست می‌دهد، اما تا وقتی که قرینه دیگر این قیاس را مورد تأیید قرار نمی‌دهد آنرا قبول نباید کرد.

خلاصه اینکه نظر بنده اینست که تمامی (۳۸) غزل را که تحت ملحقات^۱ در دیوان چاپ دکتر خانلری ثبت شده، نباید الحاقی قرار داد و از دیوان خارج نمود، این امر مستلزم تحقیق عمیق است، و در عدم این صورت نباید چیزی بنحو قطع و یقین گفت.

اگر چه مبنای تحقیق دکتر خانلری چهارده نسخه خطی قدیمی است و تاکنون هیچ محقق در جمع‌آوری اینقدر مواد نو و معتبر موفق نشده، اما از بعضی نسخه‌هایی که در منابع مهم بشمار می‌آید، صرف نظر شده، بنده بعضی از آنها را ذیلاً معرفی می‌نمایم:

۱- مجموعه لطایف و سفینه ظرایف از سیف جام هروی که در هند در عهد فیروزشاه^۲ تغلق (۷۵۲ - ۷۹۰) شروع شده و تا بعد از ۸۰۴ هجری (زمان مبارک^۳ شاه شرق) ادامه داشته، این مجموعه شامل ۱۲۷ غزل از حافظ است، ازین مجموعه دو نسخه موجود است، یکی در موزه برطانیه و دیگری در دانشکده ادبیات در کابل، بنده یک مقاله مفصل درباره این مجموعه در مجله اندوایرانیکا، کلکته سپتامبر ۱۹۶۶ چاپ و مطلع‌های غزل‌های حافظ در آن درج

۱. دیوان ج ۲، ص ۱۰۰۱، ۱۰۲۴.

۲. رک: ورق ۲۰۸، این بیت در وصف بناء قصر درگاه بقاجری شهنشاه اعظم فیروز معظم خلدالله ملکه و سلطانه و اعلى امره و شانه شاعری نبشته است الخ.

۳. ورق ۲۲۳ ب: این شعر از گفتار خانزاده عزیراھ بسطامی است. دام فضله که بمدح سلطان الشرق خلدالله ملکه نبشته است.

نموده، از آنجمله غزلی هست که فقط در جامع نسخ دیوان حافظ از آقای فرزاد هیچ جا یافته نمی‌شود، و در آخر مقاله‌ی هذا آن غزل همراه گزارش مختصری درج خواهد شد. مجموعه لطایف اخیراً به کوشش بنده در دهلی منتشر شده است.

۲- لطایف اشرفی و مکتوبات اشرفی، لطایف مجموعه ایست از گفتارهای عارف شهیر سید اشرف جهانگیر سمنانی (م. ۸۰۸) مقیم در روح آباد کچه‌چوچه در نزدیکی فیض آباد در استان اترپردیش. سید اشرف مسافرت بکشورهای اسلامی نموده و به شیراز به ملاقات خواجه حافظ نائل آمده چنانچه در لطایف اشرفی آمده است^۱:

«حضرت قدوة الکبری می فرمودند که خواجه حافظ شیرازی یکی از مجذوبان درگاه عالی و محبوبان بارگاه متعالی است، به این فقیر نیازمندی داشت و مدتی به همدیگر صحبت داشتیم. روزی در گازرگاه^۲ نشسته بودیم که سخنی در مراتب اهل معارف و زهد می‌گذشت، مجذوب شیرازی خواند:

ز روی دوست دل دشمنان چه در یابد چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا»

سید اشرف پیش از بیست و هفت مورد اشعار حافظ همراه حکایات و واقعات نقل نموده است.

مکتوبات اشرفی مجموعه ایست از مکاتیب سید اشرف سمنانی که با پادشاهان و امیران معاصر خود نوشته و درین مکتوبات چندین جا ذکری از حافظ شده و اقلاناً نه بیت از دیوان خواجه در موارد مختلف ثبت شده، بنابراین باید این دو کتاب را یکی از معتبرترین منابع درباره حیات و آثار خواجه شمرد، بنده یک مقاله مفصل راجع به همین موضوع در سال ۱۹۶۰ هـ در مجله فکر و نظر، دانشگاه علیگره، چاپ نمودم که بعداً بوسیله آقای دکتر علی اصغر حکمت ترجمه و در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز در ۱۳۴۱ مقاله‌ای مبنی بر آن چاپ شده، درین مقاله هر دو کتاب یعنی لطایف و مکتوبات مفصلاً معرفی شده. ناگفته نماند که آقای همایون فرخ در مقاله‌ای شامل کتاب حافظ ۱۳۵۰ شمسی نه

۱. جزء ۲، ص ۳۷۰، نیز رک: مجله فکر و نظر، ژنو، ۱۹۶ صفحه ۶۸.

۲. در اصل: گذرگاه.

محض ازین دو مأخذ مهم صرف نظر نموده بلکه از وجود آن عارف شهیر که خانواده‌اش تا امروز باقی است، انکار نمودند، بنده در یک مقاله شامل اندوایرانیکا کلکته نظرهای آقای همایون فرخ را رد نمودم، حیف است که این مأخذ که در ایران دوسه بار معرفی شده، جلب توجه آقای دکتر خانلری نتوانست کرد.

۳- یکی از منابع مهم که در تصحیح دیوان حافظ از آن صرف نظر شده، مجموعه‌ایست بنام بیاض تاج الدین وزیر که در سال ۷۸۲ هـ در شیراز جمع آوری شده و از طرف دانشگاه اصفهان در ۱۳۵۲ شمسی چاپ شده. درین جنگ که ده سال پیش از وفات حافظ در شیراز ترتیب داده شد اشعار حافظ در چهار مورد ذیل درج شده:

بخط شهاب^۱ الدین محمد بن صاحب المرحوم شمس الدین محمد
شهاب عزنصره به مولانا شمس الدین محمد حافظ دام فضله
خدا که صورت ابروی دلگشای تو بست
گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست
مرا و سرو چمن را ز دل ببرد آرام
زمانه تا قصب نرگس و قبای تو بست
چو غنچه بر دل مسکین من گره مفگن
چو عهد با سر زلف گره گشای تو بست
مرا به بند تو دوران چرخ راضی کرد
ولی چه سود که سر رشته در رضای تو بست
هم از نسیم تو روزی گشایشی یابد
چو غنچه هر که دل اندر پی هوای تو بست
تو خود حیات دگر بودی ای زمان وصال
دلم امید ندانست و در وفای تو بست

ز دست جور تو گفتم ز شهر خواهم رفت

بخنده گفت که حافظ برو که پای تو بست؟

بخط^۱ احمد بن محمد الحسینی (بدون نام شاعر)

بر تو خوانم ز دفتر اخلاق

هر که بخراشدت جگر بجفا

کم مباش از درخت سایه فگن

از صدف یاد گیر نکته حلم

فی اللتاس عشر رجب المرجب

سنة ۷۸۲ احمد بن محمد الحسینی

بخط^۲ مظفر الدین ملک السلمانی

مولانا شمس الدین محمد فرماید:

روضه خلد برین خلوت درویشانست

پایه محتشمی خدمت درویشانست

آنچه زر می شود از پرتو او قلب سیاه

کیمیائست که در صحبت درویشانست

دولتی را که نباشد غم از آسیب زوال

بی تکلف بشنو دولت درویشانست

کنج عزلت که طلسمات عجائب دارد

فتح آن در نظر رحمت درویشانست

از کران تا بکران لشکر ظلمست ولی

از ازل تا به ابد فرصت درویشانست

روی مقصود که شاهان بدعا می طلبند

مظهرش آینه طلعت درویشانست

ای توانگر مفروش این همه نخوت که ترا
 سرو زر در کنف همّت درویشانست
 گنج قارون که فرو می‌رود از قهر هنوز
 خوانده باشی که هم از غیرت درویشانست
 حافظ آنجا بادب باش که سلطانی و ملک
 همه از بندگی حضرت درویشانست
 بخط^۱ ملک السلمانی (بدن نام شاعر)
 به سمع خواجه رسان ای ندیم وقت شناس
 بسخلوتی که دران اجنبی صبا باشد
 لطیفهٔ بمیان آر و خوش بخندانش
 به نکتهٔ که دلش را دران رضا باشد
 پس آنگه از کرمش این قدر بلطف بپرس
 که گر وظیفه تقاضا کنم روا باشد
 حرره اقل عبادالله تعالی ملک السلمانی
 فی اواخر رجب المرجب الثین و ثمانین و سبعمائه الهلایه
 ۴- یک مجموعه نظم و نثر که در کتابخانهٔ خدابخش پتنه در هند زیر
 شماره ۵۷۵۳/۲۴۷۸ نگاهداری می‌شود، شامل ۴۹ غزل از حافظ است، تاریخ
 اتمام این مجموعه ۸۱۶ هـ است و این تاریخ اقلأً دوبار در مجموعهٔ مزبور ثبت
 است:

حرره العبد تراب اقدم الفقرا الحسن الحافظ اصلح الله شأنه فی عشرين
 ذی الحجة لسنة ست عشر و ثمانائة
 فی شهر ذی قعدة سنة ست عشر و ثمانماية و صلى الله على خير خلقه و
 آله
 غزلهای حافظ بعنوان: وله عليه الرحمة، وله ايضاً، ايضاً له نقل شده است.
 و نسخهٔ مذکور دارای خصائص املائی آن دوره است و در خط تعلیق ریز

خوانا و زیبا نوشته شده، و واضحست که نویسنده آن یعنی حسن الحافظ خوشنویس توانا بود اشعار حافظ شامل ده صحیفه، هر صحیفه در دو ستون است و در هر صفحه دو ستونی ۵۰ بیت می باشد.

این غزلها فقط از سه ردیف، (ا)، (ت) و (د) انتخاب شده بنابراین واضحست که جامع نسخه، هیچ ترتیب در ذهنش نداشت.

ناگفته نگذیریم که اگرچه همه این غزلها در دیوان معتبر وجود دارد، اما از لحاظ عدد اشعار هر بیت و ترتیب غزل این نسخه دارای اهمیت خاصی باشد و در تصحیح دیوان مؤثر خواهد شد، بنابراین مطالعه‌های غزل ذیلاً درج می شود:

- ۱- أَلَا يَا أَيُّهَا السَّاقِي أَدِرْكَاسًا وَ نَأُولَهَا
- ۲- ساقی بنور باده بفروز جام ما
- ۳- صوفی بیا که آینه صاف است جام را
- ۴- روتق عهد شباب است دگر بستان را
- ۵- صلاح کار کجا و من خراب کجا
- ۶- اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را
- ۷- صبا بلطف بگو آن غزال رهنا را
- ۸- ساقیا برخیز و در ده جام را
- ۹- دل سراپرده محبت اوست
- ۱۰- ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست
- ۱۱- شربتی از لب لعلش نچشیدم و برفت
- ۱۲- غمت تا در دلم ما وا گرفت
- ۱۳- بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است
- ۱۴- کنون که بر کف گل جام باده صافست
- ۱۵- روضه خلد برین خلوت درویشان است
- ۱۶- بلبلی برگ گل خوشرنگ در منقار داشت
- ۱۷- خمی که ابروی چشم تو در کمان انداخت
- ۱۸- مدام مست می دارد نسیم جعد گیسویت

- ۱۹- حسنت باتفاق ملاحظت جهان گرفت
 ۲۰- ساقی بیا که یار ز رخ پرده برگرفت
 ۲۱- رواق منظر چشم من آستانه تست
 ۲۲- زان یار دلنوازم شکرست با شکایت
 ۲۳- یارب سببی ساز که یارم به سلامت
 ۲۴- چه لطف بود که ناگاه رشحه قلمت
 ۲۵- ای غایب از نظر بخدا می سپارم
 ۲۶- ای هدهد صبا به سبا می فرستم
 ۲۷- شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
 ۲۸- صبحدم مرغ چمن با گل نوخاسته گفت
 ۲۹- سالها دل طلب جام جم از ما می کرد
 ۳۰- بسر جام جم آنکه نظر توانی کرد
 ۳۱- بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد
 ۳۲- دانی که چنگ و عود چه تقریر می کنند
 ۳۳- نقدها را بود آیا که عیاری گیرند
 ۳۴- شاهدان گر دلبری زینسان کنند
 ۳۵- در نظر بازی ما بیخبران حیرانند
 ۳۶- غلام نرگس مست تو تاجدارانند
 ۳۷- شراب بینش و ساقی خوش دو دام رهند
 ۳۸- چه مستی است ندانم که ره بما آورد
 ۳۹- از سرکوی تو هر که بملامت برود
 ۴۰- ساقی حدیث سرو و گل و لاله می رود
 ۴۱- من و انکار شراب این چه حکایت باشد
 ۴۲- روز هجران و شب فرقت یار آخر شد
 ۴۳- ستاره بدرخشید و ماه مجلس شد
 ۴۴- حافظ مسجد نشین دوش به میخانه شد

۴۵- دل از من برد و روی از من نهان کرد
 ۴۶- هر آنکه جانب اهل وفا نگه دارد
 ۴۷- اگر بیاده مشکین دلم کشد شاید
 ۴۸- خوش است خلوت اگر یار یار من باشد
 ۴۹- پیرانه سرم عشق جوانم بسر افتاد
 منظومه‌ای که در ذیل نقل می‌شود در هر دو نسخه مجموعه لطایف و
 سفینه ظرایف ثبت است، اما آن از اکثر نسخه‌های دیوان خارج و فقط در جامع
 نسخ از استاد فرزاد، شامل است:
 ای وصل جان نوازت معمار خانه دل
 و ای جان و دل ز لعلت مقصود کرده حاصل
 قصر حیات باشد زندان جان شیرین
 گر وصل تو ندارد سر در خرابه داخل
 صحن سرای دل را شستم به آب دیده
 در وی غمت به شادی جانان چو کرد منزل
 از سوز سینه هر شب جان را دست بر سر
 وز آب دیده هر دم دل راست پای در گل
 جانا ببحر عشقت بی‌آشنا و رهبر امانت فرستی
 کشتی دل فکندم تا کی رسد به ساحل
 در جان و دیده دل ای مشتری شمایل
 مهر تو سیر دارد چو ماه در منازل
 باز آی تا بنوشد جان شربتی ز وصلت
 ای من زجام هجرت نوشیده زهر قابل
 صد خون بگردن جان داری، چه باشد آخر
 گر بیدلی کند دست در گردنت حمایل
 از روی دلنوازی با ما اگر بسازی
 جان پروریم با هم در عهد شاه عادل

قطب سپهر شاهی دریا دلی که دستش

کرد از سحاب احسان سیراب جان سایل

تا هست جوهر جان محمود باد سلطان

گشته ز دل غلامش هر دم هزار مقبل

محمود شاه که نامش^۱ در این منظومه آمده برادر شاه شجاع و فرمانروای

اصفهان بود، پس از چندی شاه شجاع را شکست داده شیراز را جزو سلطنت

خویش گردانیده و تقریباً دو سال (۷۶۵ تا ۷۶۷) بر این خطه حکومت نموده،

بظاهر منظومه مذکور در همین زمان بنظم آمده باشد، اگرچه از لحاظ سبک این

منظومه از منظومه‌های دیگر مختلف بنظر می‌آید، اما چون این در هر دو نسخه

مجموعه لطایف شامل است، ناچار هستیم که این منظومه را از خواجه بدانیم،

مرحوم آقای دکتر مجتبی مینوی در سفر اخیر به هندوستان به علیگره نیز تشریف

آوردند، وقتی که بنده درباره صحت انتساب این غزل به حافظ صحبت داشتیم

آقای مزبور اظهار شک نموده، اما بنده یادآوری نمودم که غزل مذکور در هر دو

نسخه این مجموعه شامل است، پس از اوضح و اوضحات است که نسخه دیوان

حافظ که از روی آن سیف جام هروی مؤلف مجموعه لطایف، غزلهای حافظ

انتخاب نموده نسخه قدیمی، و شامل این منظومه بود، چون غزلیات منتخب

بترتیب تهجی نیست ازین قرینه بدست می‌آید که آن نسخه خیلی قدیم بود، پس

برای ابطال انتساب غزل به حافظ باید قرینه دیگری بدست آورد، و تا آن وقت

باید این غزل را در میان غزلهای خواجه جا داد.

در آخر باید علاوه نمود که منظومه‌های زیر که در نسخه گورکھپور موجود

است. جناب آقای دکتر خانلری از نسخه دیوان حافظ. بدون ذکر وجوه خارج

نموده.

رحیم منکر^۲ حمار بود روزی چند

به آن دلیل که القاص لایحب القاص

۱. برای آگاهی بیشتر رک: مجله فکر و نظر، ج ۱۲، جز ۴، ۱۹۷۲، ص ۷۳-۹۳.

۲. در بعضی نسخه‌ها شامل است، نیز رک: دیوان حافظ چاپ نذیر احمد و جلالی نائینی، ص ۵۳۵.

کوتاه^۱ نظرم بین که بر طغرل شاه
 سخن طعنه هدهد بزبان می آرد
 تباکار^۲ یکام دل مجروح شود
 تا ملک تنم بی ملک روح شود
 باز^۳ آی که چشمت بجمالت نگرانست
 باز آ که ز هجرت دل من در خفقانست
 شکر شکر^۴ بشکرانه بیفشان حافظ
 که نگار خوش شیرین حرکاتت دادند
 آواز پر^۵ مرغ طرب می شنوم
 یا نفعه گلزار ادب می شنوم
 مقبول^۶ دل خواص و مفهوم عوام
 خوش لهجه و موزون حرکت بدر تمام
 راه طلیبت ز خار ضمها دارد
 کوراه روی که این قدمها دارد
 همین طور این دو منظومه که شامل نسخه آصفیه است، بدون ذکر وجوه
 از نسخه دکتر خانلری خارج شده:
 که بحکمت قطره را گردانده لؤلؤ در صدف
 ای جهان و هر چه هست از آفرینش در جهان
 کرده در فطرت طفیلت خالق کون و مکان
 از گزارش بالا بر می آید که محققان حافظ در ترتیب و تصحیح دیوان که از
 یک طرف از الحاق دور باشد و از طرفی دیگر شامل همه منظومات حافظ باشد،

۱. شامل جامع نسخ حافظ، رک: دیوان حافظ چاپ نذیر احمد و نائینی، ص ۵۴۶.

۲. ذیل رباعیات در جست، رک: دیوان حافظ، چاپ نذیر احمد و جلالی نائینی، ص ۵۵۷.

۳. این رباعی است رک: ص ۵۴۷.

۴. رک: ص ۵۶۰.

۵. نزدیک پزمان الحاقی است، ایضاً ص ۵۵۳.

۶. رک: ص ۵۵۶.ح.

موفق نشدند، مثلاً بعضی نسخه‌های دیوان از اشعار الحاقی پاک است اما شامل همه منظومات نیست. دیوان چاپ آقای قزوینی و آقای دکتر خانلری یقیناً دارای کلام الحاقی نیست، اما دارای همه منظومات نیست اما جامع و نسخ دیوان شامل همه جور منظومات اصیل و الحاقی می‌باشد، بنظر بنده در تصحیح و ترتیب دیوان امور ذیل باید در نظر داشت:

- ۱- همه نسخه‌های دیوان که تا قرن نهم هجری رونویس شده باشد، فراهم آورده شوند.
- ۲- بعضی نسخه‌های متأخر که بنا بر خصوصیات مخصوصی امکان دارد که معتبر باشند و اشتباهات کم باشند، نیز باید بکار برده شود.
- ۳- از کتب تاریخ و تذکره و لغت و مجموعه‌ها و بیاضها که شامل اشعار حافظ باشند، همه مورد استفاده قرار داده بشود.
- ۴- از مقایسه نسخه‌های دیوان و اشعار متفرقه که از کتب دیگر، بیرون کشیده باشد باید قُرموله‌ای بدست آورد و از روی آن اشعار را باید مورد تحقیق قرار داد.